

شهادت دوفدائی کرد

پی‌ناوی بوشه‌هیدی و هتن شیون و گهرین شمیدان وطن را نیازی به زاری و شیون نیست
نامرن نه‌وانه واله دلی میله‌تائه‌ژین زیرا که آنان در دل ملت جاودانه‌زنده‌اند.



دوشنبه ۲۵ مهر ۱۳۶۷ برابر ۱۷ اکتبر ۱۹۸۸
بها ۶۰۰ ریال - سال پنجم - شماره ۲۲۹

هم‌برای

گوهری والا

در پاره وطن ماکردستان،
هنوز زخم‌های سال‌ها
دیکتاتوری شاهان التیام
نیافته بود که در اولین بهار
آزادی، تهاجم از زمین و هوا با
تانک و توپ و خمپاره و راکت
آغاز شد. شهرها، روستاها و
انسانها در خاک و خون
فلتدند، وحشیگری ارتشی و
پاسدار و بسیجی و حکامانی
چون خلخال به اوج خود
رسید، مردم گروه گروه قتل
عام شدند. جوانان دسته‌دسته
به پای جوخه‌های اعدام روانه
گشتند و چنین بود که فجایع
قارنا، قلاتان و حوسین مامه
شکل گرفت و جوانان
کرمانشاه، سنج و مهاباد
دسته‌جمعی اعدام شدند. در
میان شهدای مردم،
هزیزترین رفقای ما هم بخون
فلطیدند، گرجی بیانی،
خلیقی، تقدیری، کشی‌زاده،
شیرخانی، احمدزاده،
پیرانی، پارسا، شیدایی،
بهرزنی، ناهیدها
و خلیفه‌زاده‌ها دهها و دهها
فدایی دیگر

شبی است وحشتناک،
صدای توپ از طرف پادگان
شهر یک آن قطع نمی‌شود. در
این شب تاریک زیر نور منورها
هر حرکتی پیدا است، قرش
بقیه در صفحه ۶

رسیدند. از دست دادن این دو
فدایی رزمنده برای سازمان ما
و هر آن‌کس که با خصوصیات
آنها آشنا بوده است، بسیار
در دناک است. ما اندوه فقدان
این رفقای دلیر را جانمایه نبرد
با سرکوبگران خلقها
می‌سازیم و خاطره آنان را
جاودانه‌هزیز می‌داریم.

سازمان ما در روزهای
گذشته دو تن از مبارزین
فداکار و قهرمان خویش را از
دست داد. رفیق فداکار و
قهرمان "هم‌برایی" (مام
علی) و فدایی خلق "هم‌ارف
خلیفه‌زاده" (هاوری‌خدر)
در منطقه کردستان، در
جریان حملات رژیم جنایتکار
صدام حسین به شهادت

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

درباره برگزاری پلنوم شهریورماه ۶۷

اصلاحاتی مورد تصویب قرار داده
و قرار انتشار آن را صادر کرد. در
این گزارش تحولات اخیر در اوضاع
کشور و سمت آن مورد تجزیه و
تحلیل قرار گرفته و از نیروهای
که می‌توانند یک جبهه وسیع
باهدت سرنگونی رژیم، تامین
دمکراسی و تضمین صلح مبارزه
کنند، صریح‌نام برده شده است.
پلنوم همچنین فعالیت هیات
سیاسی در فاصله دو پلنوم را مورد
نقد و بررسی قرار داد و با صدور
قطعه‌نامه‌هایی درباره برخی از
مهم‌ترین مسائل ورخداهای
زندگی درون سازمانی طی یک
سال اخیر اظهار نظر کرد.

مهم‌ترین مراضه کار پلنوم
اتخاذ تصمیمات در زمینه تدارک
نخستین کنگره سازمان بود. پیرو
تصمیمات پلنوم‌های مهر ۶۳ و
فروردین ۶۵، مهر ۶۶ اکنون در
پلنوم شهریورماه ۶۷ گام بلند
بقیه در صفحه ۲

قرار زیر بود:
- بررسی گزارش هیات سیاسی
به پلنوم کمیته مرکزی درباره
اوضاع سیاسی کشور و مواضع ما.
- اتخاذ تصمیمات ضرور در
رابطه با تدارک برگزاری نخستین
کنگره سازمان.
- پلنوم پس از بحث روی گزارش
هیات سیاسی "پیرامون اوضاع
سیاسی کشور و جهان" آن را با

پلنوم کمیته مرکزی سازمان
فدائیان خلق ایران (اکثریت)
در نیمه دوم شهریور ماه سال
جاری تشکیل گردید و با درود بر
خاطره رفیق کبیر انوشیروان
لطفی و رفقا فرامرز صوفی، هم‌
برایی و هم‌ارف خلیفه‌زاده و بادرود
بر دیگر شهدای قهرمان سازمان و
جنبش، کار خود را آغاز کرد
دستور کار پلنوم شهریور ۶۷ به

پیام کمیته مرکزی سازمان

به اعضا و هواداران سازمان در خارج از کشور

در صفحه ۲

پیام پلنوم به کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق

و جبهه نیروهای ملی و مترقی کردستان عراق

کشتار جمعی خلق کرد عراق را محکوم می‌کنیم

در صفحه ۲

شیلی: مبارزه با پینوشه ادامه دارد

خواست که این طریق و شیوه بدیع
در فروپاشی یک دیکتاتوری، از
کشوری آغاز شود که در آن،
منزوی‌ترین و منفورترین
دیکتاتور در سطح جهان،
حکومت می‌کند.
پیروزی اپوزیسیون شیلی در
همه‌پرسی ریاست جمهوری،
بزرگ‌ترین شکستی است که
پینوشه، دیکتاتور این کشور از
هنگام کودتای خونین خود در ۱۵
سال پیش، متحمل شده است.
فراندوهی که قرار بود رژیم که
در هرصه بین‌المللی منزوی است،
"مشروعیت دموکراتیک" ببخشید
و ضربه مرکب‌باری به اپوزیسیون
وارد آورد، به خود رژیم ضربه‌ای
کاری وارد کرد. بقیه در صفحه ۹

پینوشه، دیکتاتور شیلی،
در شرایطی که در تاریخ شاید بی
سابقه باشد، ناچار شد شکست خود را
در فراندوهی بپذیرد که خود
ترتیب داده بود تا از مردم برای
ادامه حکومت ننگین‌اش رای
بگیرد. شکست دیکتاتوری
فاشیستی شیلی در فراندوم، آن
هم در شرایطی که همه امکانات
تبلیغاتی و سرکوبگرانه اش را برای
پیروزی بسیج کرده بود، پیروزی
بزرگ دموکراسی نه‌تنها در شیلی،
که در مقیاس بین‌المللی است.
مردم شیلی، این بانگ‌رسانی
بشریت را فریاد کردند: هصر
دیکتاتورها به سر رسیده است!
جهان ما، دستخوش تحولات
دورانسازی است. تقدیر چنین

کاهش بهای نفت و بحران اضافه‌تولید

مقاله حاضر می‌کوشد تا تصویری از
وضعیت فعلی حاکم بر بازار جهانی
نفت، بحران اضافه‌تولید اوپک
و مشکلات اصلی اوپک در اجلاس
آتی آنرا ارائه دهد.
بهای نفت در بازارهای جهانی
این کالا، در لحظه فعلی، در مقام
مقایسه با آغاز سال میلادی حاضر،
بیش از ۳۰ درصد کاهش یافته است.
با در نظر گرفتن نرخ تورم در
سنجش بهای نفت، باید گفت که
بهای نفت اینک به کمتر از بهای ۱۵
سال قبل رسیده است. اضافه‌تولید
نفت کشورهای عضو سازمان
کشورهای صادر کننده نفت
(اوپک) که اخیراً در پی تصمیم
جدید عربستان سعودی، بازم
بقیه در صفحه ۳

درآمد ارزی ناشی از تولید و
صادرات نفت در کنار "اهتبارات
خارجی" از مهم‌ترین عوامل
تاثیرگذار در روند بازسازی
اقتصادی و همراهی جمهوری
اسلامی به حساب می‌آیند.
جمهوری اسلامی در تبلیغات
دائمی خود و با هیاهو به راه
انداختن حول درآمد ارزی نفت
می‌کوشد تا نقش "اهتبارات
خارجی" را مسکوت بگذارد. پی
گرفتن مسائل اقتصادی مربوط به
بازسازی اقتصادی و همراهی و از آن
جمله دنبال کردن لحظه به لحظه
وضعیت تولید و صدور نفت در
بازارهای جهانی از نهایت درجه
اهمیت برخوردار است. در
پاسخگویی به این ضرورت حتمی،

پیام کمیته مرکزی سازمان به اعضا و هواداران سازمان
در خارج از کشور

فدائیان خلق!

در اعتراض به کشتار زندانیان سیاسی همه امکانات خود را بکار گیرید!
افکار عمومی جهان را علیه کشار زندانیان سیاسی ایران بیدار کنید!

در زندان های جمهوری اسلامی از پیکر فرزندان در بند خلق جوی خون جاری است. رژیم خون آشام خمینی زندانیان سیاسی را گروه گروه به جوخه های اعدام می سپارد. کوچه ها و خیابانها به منظور بازداشت های جمعی در قرق پاسداران و مزدوران امنیتی رژیم خمینی است. برای ربودن فرزندان مردم راهزنان به خانه ها یورش می آورند، زندانیان سابق را دوباره بازداشت می کنند و به شکنجه گاه ها می برند.

خاوران، این گلزار به خون خفتگان، شاهد گورهای دسته جمعی تازه است!

با همه امکانات و همه توان خود به افشای جنایات برخیزید!
افکار عمومی جهان را علیه کشتار زندانیان سیاسی ایران و به اعتراض برانگیزید.

با بهره گیری از همه امکانات و با تمام قوا برای نجات جان زندانیان سیاسی ایران اقدام کنید!

علیه جنایات هولناک رژیم خمینی، در هر کجا که هستید، دستها را به اتقاد بفرساید، مشت ها را به اعتراض برافرازید، فریادهای خشم طنین اندازید.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) شهریور ۱۳۶۷

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

درباره برگزاری پلنوم شهریور ماه ۶۷

بقیه از صفحه اول

دیگری در راه برگزاری کنگره به پیش برداشته شده است. پلنوم شهریور ماه، بررسی و تصویب پیش نویس طرح برنامه سازمان را در دستور اساسی پلنوم آتی کمیته مرکزی تعیین کرد. در پلنوم تصمیمات دیگری نیز در عرصه های مختلف زندگی سازمانی و فعالیت انقلابی سازمان اتخاذ گردید.

در پایان، پلنوم ارگان های دستگاه رهبری سازمان را با همان ترکیب قبلی در مسئولیت های خود ابقا کرد. پلنوم همچنین پیام های جداگانه ای خطاب به زندانیان سیاسی ایران، خطاب به حزب کمونیست و سایر نیروهای مترقی

عراق در حمایت از خلق کرد عراق و خطاب به حزب کمونیست و حزب کارگر ترکیه در پشتیبانی از رفقا و تلو و سارگین صادر کرد. پلنوم شهریور ماه ۶۷ کمیته مرکزی از نظر گستردگی طیف مسایلی که در دستور داشت و به حل و فصل آنها نایل گردید، از نظر مرور بر کارنامه یک ساله دستگاه رهبری و اظهار نظر پیرامون برخی از جوانب مهم آن، و بویژه از نظر اهمیت تصمیمات آن در رابطه با تدارک نخستین کنگره سازمان حایز برجستگی است. برگزاری موفقیت آمیز پلنوم شهریور ماه ۶۷ یک گام بزرگ و نیرو بخش و به پیش در راه تحقق اهداف والای انسانی و انقلابی سازمان است.

دبیر خانه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

اول مهر ماه ۶۷

پیام پلنوم به کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق
و جبهه نیروهای ملی و مترقی کردستان عراق
کشتار جمعی خلق کرد عراق را محکوم می کنیم

رفقا و دوستان گرامی!

پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) انزجار عمیق خود را از جنایت هولناک رژیم تبهکار صدام در کشتار خلق کرد عراق اعلام می دارد. حکام جنایتکار عراق که در طول سال های اخیر با کشتار هزاران زن و مرد و کودک بی گناه کرد، بمباران های وحشیانه و ویران کردن شهرها و روستاهای کردنشین، کوچاندن اجباری و تلاش برای هربری کردن مناطق کردنشین نتوانستند بر هزم و اراده استوار این خلق بیخاسته فائق آیند، اینک مذبذبه تلاش می کنند که با کار برد وسیع سلاح های شیمیایی به اهداف ضد انسانی خود دست یابند. اکنون بیش از پیش بر جهانیان آشکار می شود که حکام فاشیست عراق رسماً سیاست "قوم کشی" را در کردستان پیش می برند.

پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) این جنایت فاشیستی را قاطعانه، محکوم می کند و مراتب همبستگی و همدردی عمیق خود را با شما و از طریق شما با خلق بیخاسته کرد عراق ابراز می دارد.

رفقا و دوستان!

دو رژیم ضد بشری صدام و خمینی پس از قطع جنگ، تعقیب و کشتار نیروهای انقلابی دو کشور و سرکوب جنبش های ملی و مترقی را تشدید کرده اند. فاشیستی عراق با بمب و کلوله و گازهای سمی صدها هزار تن از مردم کردستان عراق را کشته مجروح و آواره نموده، رژیم قرون وسطایی خمینی در انتقام از مردم ایران علاوه بر تدارک دور تازه ای از سرکوب و جنایت در کردستان ایران، به کشتار جمعی زندانیان سیاسی روی آورده است. دو رژیم مسابقه جنایت و آدم کشی را همچنان ادامه می دهند.

مردم ایران که همانند مردم عراق در طول جنگ خانمان سوز ۸ ساله مصائب بی شماری را متحمل شده اند، به جنایات رژیم صدام علیه خلق کرد با خشم و نفرت می نگرند و آنرا قاطعانه محکوم می کنند. هم میزبان ما از مبارزات حق طلبانه خلق کرد عراق پشتیبانی می کنند و با آغوش باز پناهندگان کرد را پذیرا شده، هرگونه کارشکنی رژیم جمهوری اسلامی در امر ورود پناهندگان به خاک ایران و هرگونه سوءاستفاده از قربانیان تبهکاری صدام را به شدت محکوم می نمایند.

رفقا و دوستان گرامی!

پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) نیز همانند شما بر این باور است که برای مقابله با سرکوب های وحشیانه دو رژیم علیه خلق کرد، تأمین و تحکیم اتحاد همه نیروهای جنبش ملی خلق کرد و مدافعان پیگیر حقوق ملی و دمکراتیک آن در هر یک از دو کشور و اجد اهمیت حیاتی است. تقویت همبستگی جنبش ملی خلق کرد در دو کشور برای خنثی کردن توطئه های دو رژیم و تلاش مشترک و گسترده نیروهای انقلابی و دمکراتیک هر دو کشور برای جلب حمایت افکار عمومی جهانی ضرورت مبرم دارد.

پلنوم بار دیگر تأکید دارد و حشیانه سلاح شیمیایی و کشتار جمعی مردم بی دفاع کردستان عراق به دست رژیم صدام را قاطعانه محکوم کرده، از همه نیروهای انقلابی و ترقی خواه ایران و عراق، از همه انسان های آزاده جهان و از همه مجامع بین المللی طلب می کند تا با هر امکانی که در اختیار دارند علیه "قوم کشی" در کردستان عراق مبارزه نمایند. و برای متوقف ساختن این جنایت هولناک که لکه ننگی بر دامن بشریت و علیه روند استقرار صلح پایدار میان دو کشور است، از هیچ کوششی فروگذار نکنند.

پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

شهریور ۱۳۶۷

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

بقیه از صفحه اول

افزایش یافت، باعث کاهش هر چه بیشتر بهای نفت گردید. هم اینک بهای نفت پرازش دریای شمال (برنت) به ۱۱,۴۸ دلار به ازای هر بشکه کاهش یافته است و این به این معناست که بهای نفت برنت تنها ظرف دو هفته ۲ دلار کاهش قیمت داشته است.

شرکت ملی نفت مکزیک در یک اطلاعیه مطبوعاتی، عامل اصلی کاهش بهای نفت در بازارهای جهانی را، اقدامات غیرمسئولانه کشورهای صادرکننده نفت حوزه خلیج فارس اعلام کرده است. چنانکه اشاره شد، تصمیم اخیر عربستان سعودی در دو هفته گذشته، باعث افزایش یکباره تولید (اضافه تولید) نفت اوپک گردید و این در کاهش یکباره بهای نفت تاثیر فوق العاده ای نهاد. دولت عربستان سعودی اخیرا تصمیم گرفت که تولید نفت خود را از ۴,۳ میلیون بشکه در روز - که سهمیه عربستان سعودی است - به ۵,۷ میلیون بشکه در روز افزایش دهد. کارشناسان جهانی امور نفتی بر این اعتقاد هستند که عربستان سعودی حتی روزانه بالغ بر ۶ میلیون بشکه نفت تولید می کند. دولت عربستان سعودی که رسماً افزایش تولید نفت خود را اعلام کرده است، مدعی است که با این شیوه با تولید اضافه بر سهمیه کشورهای دیگر عضو اوپک و از جمله عراق و ایران مقابله خواهد کرد.

کارشناسان امور نفتی در لندن اعلام کرده اند که تصمیم عربستان سعودی مبنی بر افزایش یکباره تولید نفت خود، تنها مقابله با دیگر اعضای اوپک - که همگی بطور قابل ملاحظه ای بیش از سهمیه های تعیین شده نفت تولید می کنند - نبوده، بلکه یک تصمیم اقتصادی است. عربستان سعودی بر اساس اطلاعات رسمی تنها در سال جاری برای چهارمین بار در تراز پرداختی خود مجبور به پذیرش کسری شده است. ذخایر پولی عربستان سعودی که زمانی بالغ بر ۱۵۰ میلیارد دلار بود، اینک به ۲۵ میلیارد دلار کاهش یافته است.

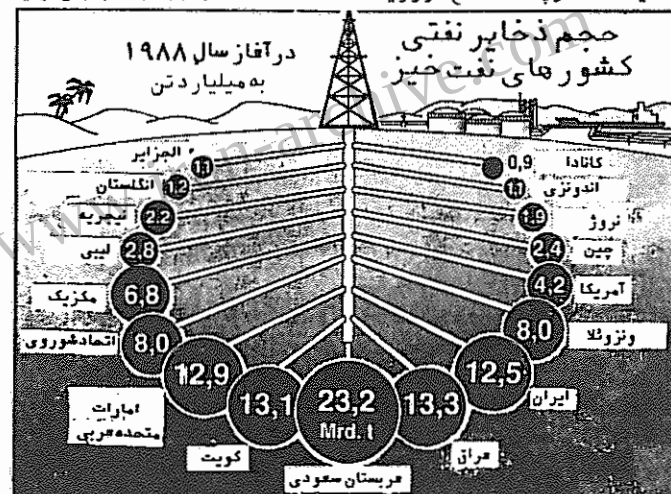
گرچه اضافه تولید یکباره نفت عربستان سعودی، از ۴,۳ به ۵,۷ میلیون بشکه در روز، در کاهش بهای نفت و در بحران تولید اضافه نفت جهان به شدت تاثیر نهاد. ولی در "جنگ قیمتها" موضوع تولید اضافه تنها مربوط به عربستان سعودی نمی شود، همان گونه که

کاهش بهای نفت و بحران اضافه تولید

نشد حتی تولیدی به اندازه سهمیه خود داشته باشد. اما از زمان پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و اعلام آتش بس، جمهوری اسلامی امکان آن را یافت که نفت بیشتری را از طریق ترمینال های نفتی خود به بازارهای جهانی روانه سازد. بنا به گزارش فایننشال تایمز چاپ انگلیس، میزان تولید نفت جمهوری اسلامی در هفته های اخیر، بسیار بیش از سهمیه تعیین شده از جانب اوپک بود و به ۳,۲ تا ۳,۳ میلیون بشکه در روز بالغ می شود.

بدین ترتیب با افزایش تولید

گفته شد، عربستان سعودی به بهانه نقض سهمیه های تعیین شده از سوی دیگر کشورهای عضو مبادرت به تولید اضافه کرد. اگر از تولید اضافه چند کشور غیر همده عضو اوپک صرف نظر بکنیم، بحران تولید اضافه نفت اوپک در سالهای اخیر، عمدتاً به کویت، امارات متحده عربی و عراق مربوط می شود. عراق که به لحاظ ذخایر نفتی، پس از عربستان سعودی، در رده دوم قرار دارد، از دسامبر سال ۸۶، از پذیرش مصوبات و تصمیمات اوپک امتناع ورزید



عربستان سعودی و جمهوری اسلامی به اضافه تولید سابق نفت اوپک، بحران "تولید غیر منطقی" نفت تشدید شده و بهای نفت رو به کاهش نهاده است. بنا به گزارش کارشناسان بین المللی امور نفتی، بهای نفت دویی در روزهای اخیر به بشکه ای ۹,۹۵ دلار رسیده است. این در حالی است که بهای نفت دویی در برخی معاملات نفتی حتی تا ۹,۵ دلار بازی هر بشکه کاهش یافته است.

روزنامه های غربی در پی تصویر وضعیت فعلی اوپک و بازار جهانی نفت، این پرسش را پیش می نهند که "آیا کار اوپک تمام شده است؟" بدیهی است که انحصارات نفتی و کمپانیهای

وحاضر به پذیرش سهمیه تعیین شده از جانب اوپک نشد. عراق طی این مدت دو برابر سهمیه تعیین شده خود نفت تولید کرد. کویت و امارات متحده عربی نیز طی این مدت، هرگز سهمیه تعیین شده را رعایت نکردند و بیش از سهمیه خود، نفت به بازارهای جهانی تزریق نمودند. باید خاطر نشان کرد که به لحاظ ذخایر نفتی کویت و امارات متحده عربی، پس از عربستان سعودی و عراق، بیشترین ذخایر نفتی جهان را در اختیار دارند.

جمهوری اسلامی نیز همواره مایل بود که تولید خود را افزایش دهد. اما در زمان جنگ هرگز قادر

نفتی عظیم دنیای امپریالیستی موسوم به "هفت خواهران"، از درهم شکستن اوپک سود کلان می برند. سیاستهای غیرمسئولانه و وحدت شکنانه کشورهای عضو اوپک، به همراه سیاستهای امپریالیستی کمپانی های نفتی در امر کم اثر کردن اوپک در تاثیرگذاری بر اوضاع بازار جهانی نفت موثر و مکمل محسوب می شوند.

وزرای نفت سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک)، چندی بعد در وین تشکیل جلسه خواهند داد. اما از هم اینک نشستهای نوبتی کمیته های مربوطه اوپک، مسائل و مشکلات را بررسی می کنند. طرف گرفته آینده باید کشورهای عضو اوپک به طرح سهمیه بندی جدیدی برسند. بر اساس این سهمیه بندی جدید، باید روند و میزان تولید نفت کل سازمان اوپک به سطح معقولی کاهش یابد. کشورهای عضو اوپک در این هفته، سریالی از نشستها و کنفرانسها را ترتیب داده اند. در این کنفرانسها و اجلاسها، باید کشورهای عضو اوپک نسبت به مسائل حیاتی "سقوط قیمتها" و "نقض جدی طرح سهمیه بندی" به توافق مشترکی دست یابند. از روز ۱۶ اکتبر اجلاس وزرای نفت کشورهای حوزه خلیج تشکیل جلسه خواهند داد. در روز ۱۲ اکتبر کمیته تعیین قیمتهای اوپک در مادرید جلسه خواهد داشت و کمیته تعیین استراتژی دراز مدت اوپک در روز ۲۱ نوامبر در وین نشست خواهند داشت.

تردیدی نیست که برای رسیدن به ثبات قیمت نفت، ضرورت دارد که تولید نفت اوپک کاهش یابد. مشکل اصلی کاهش تولید، در واقعیت امر، موضوع سهمیه بندی نفت تولیدی کشورهای عضو می باشد. عراق در اجلاس آتی وزرای نفت عضو اوپک، بسان چند اجلاس گذشته بر خواست خود مبنی بر داشتن سهمیه برابر با جمهوری اسلامی تاکید خواهد کرد. عربستان سعودی، امارات متحده عربی و کویت نیز در اجلاسهای گذشته با پیش نهادن شروط غیرقابل قبول برای سایرین، عملاً حاضر به کاهش سهمیه خود نشدند. بدین ترتیب اجلاس آتی اوپک در اوضاع بحرانی حاکم بر بازار جهانی این کالا و در رابطه با ناهماهنگی موجود بین اعضای اوپک، از اهمیت و حساسیت عظیمی برخوردار است.

با تصویب مجلس اقدام سپاه و ارتش به تعویق افتاد

رد کردند و آن را در دستور کار هادی قرار دادند. پس از تصمیم مجلس، روز ۲۴ شهریور، اجتماعی از فرماندهان سپاه در استادیوم آزادی تشکیل شد و نقش سپاه در نظام جمهوری اسلامی مورد بررسی و تأکید قرار گرفت. در پایان گردهم آیی خمینی با ارسال پیام کتبی شخصاً اطمینان داد که از بقای سپاه دفاع می‌کند. در کابینه دولت نیز که انتخاب وزیر سپاه به حالت تعلیق درآمده بود، به جای رفیق دوست، شمخانی گمارده شد. بر اساس اظهارات جلالی وزیر دفاع در حال حاضر کمیسیونی مشغول رسیدگی به "طرح" است.

طرح اقدام وزارتخانه‌های دفاع و سپاه پاسداران با پیشنهاد عده‌ای از نمایندگان و تصویب مجلس شورای اسلامی برای مدت ۶ ماه به تعویق افتاد. حسن روحانی رئیس کمیسیون نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در مجلس که خود یکی از پیشنهاد دهندگان تعویق تصویب اقدام ارتش و سپاه است، در جلسه روز شنبه ۲ مهر ماه در مجلس گفت که "طرح" به صورتی که ارائه شده بود، غیر عملی است.

دوماه پیش طرح اقدام سپاه و ارتش به صورت یک فوریت به مجلس داده شد و نمایندگان پس از بحث و بررسی فوریت طرح را

سفارت کویت در تهران بازگشایی می‌شود

مناسبات دیپلماتیک خود را با ایران هادی سازد. یک هفته بعد از گزارش واشنگتن پست، وزرای خارجه ایران و کویت در نیویورک در محل مجمع عمومی سازمان ملل دیدار کردند و توافق هر دو کشور را برای از سرگیری مناسبات دیپلماتیک در سطح سفیر اعلام داشتند. سیاست هادی سازی روابط با جمهوری اسلامی یکی از تصمیمات اجلاس اخیر شورای همکاری خلیج است.

به نوشته روزنامه واشنگتن پست، نقل از منابع مسئول کویتی، هم‌اکنون سه فرستاده دولت کویت برای مذاکره در مورد بازگشایی سفارت کویت در تهران، در ایران به سر می‌برند. سعود العصیمی وزیر مشاور در امور خارجه کویت طی مصاحبه با "واشنگتن پست" ضمن تأیید خبر حضور فرستادگان کویتی در تهران، اعلام کرد که کویت هرگز مسئله مستقیمی با ایران نداشته است و در صداست در اسرع وقت

تهران ۸ میلیونی تنها ۳۰۰۰ دستگاه اتوبوس دارد

فقط ۳ هزار دستگاه اتوبوس، ۱۵ هزار دستگاه تاکسی و ۴۵۰۰ دستگاه مینی‌بوس به جابجایی مسافران اختصاص یافته‌اند. طبق برآورد کارشناسان ترافیک حداقل برای رفع نیاز مردم در خطوط اتوبوسرانی، ضروری است که هزار دستگاه اتوبوس بر شمار اتوبوسهای موجود افزوده شود. در حال حاضر برای هر یک صد هزار شهروند تهرانی کمتر از ۴۰ دستگاه اتوبوس وجود دارد و روزانه بیش از ۳٫۵ میلیون ساعت از وقت مردم در صف انتظار اتوبوس تلف می‌شود. دولت بر زمینه نیاز عمومی، راه‌آذنی و افزایش هزینه حمل و نقل را اتخاذ کرده است.

در میان انبوه مشکلات مردم، دسترسی به وسیله نقلیه برای رسیدن به محل کسب و کار یکی از گرفتاریهایی است که بر کرده هموم مردم سنگینی می‌کند. هر سال بر شمار جمعیت و وسعت جغرافیایی شهرها افزوده می‌شود اما "خدمات" از جمله سرویس اتوبوسرانی همچنان با ۱۵ سال گذشته فرقی نکرده است. مدیرعامل شرکت واحد تهران در مورد وسایل نقلیه در این شهر می‌گوید: "امکانات حمل و نقل شهری امروز ما با ۱۵ سال پیش تفاوت نکرده است و حال آنکه جمعیت پنج برابر شده است." در تهران با جمعیتی قریب به ۸ میلیون نفر،

خمینی:

در مورد رسالت و جامعه

مدرسین حرفی نمی‌توانم بزنم

هفته گذشته خمینی به نامه‌ای که دو ماه پیش آذری قمی به وی نوشته بود، پاسخ داد. خمینی در این جوابیه، بدون آنکه به علت تعویق دو ماه اشاره کند، از پاسخ صریح به سئوالات آذری قمی در زمینه روزنامه "رسالت" و نقش آن و "جامعه مدرسین حوزه علمیه قم" خودداری کرد و تنها به تأیید آذری قمی پرداخت.

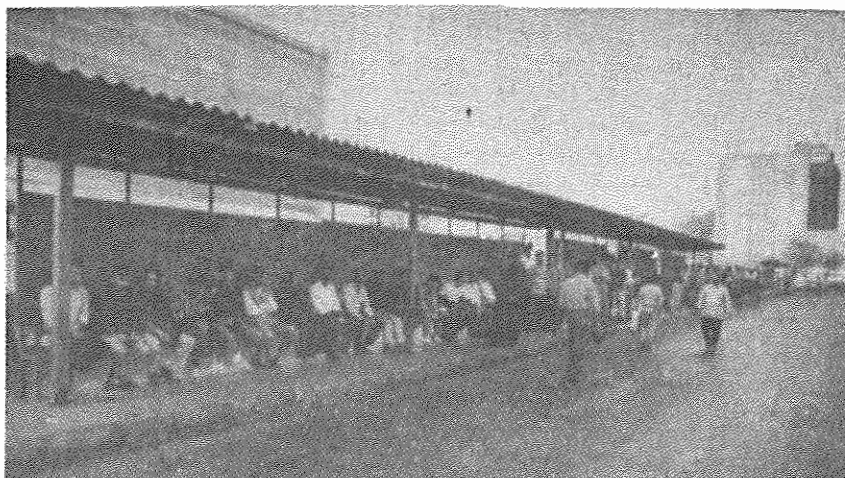
آذری قمی از اعضای مرکزی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و از گردانندگان اصلی "رسالت" است. وی از جمله کسانی بود که با برپای "مراسم ۱۵ خرداد" توسط "روحانیون مبارز" جناح منشعب از "جامعه روحانیت مبارز" در محل حوزه علمیه قم مخالفت کرد و مانع فعالیت خویشی‌ها و کروی در محل حوزه شد. در متن نامه خمینی به آذری قمی آمده است: "با سلام و دعا، من همیشه به شما علاقمند بوده‌ام، و هستم و هرگز هم در ذهنم نیست که خدای ناکرده جنابعالی کاری برخلاف اسلام بنمائید. شما از چهره‌های فاضل و مبارز و دل‌سوخته انقلاب می‌باشید... من در مورد روزنامه رسالت و جامعه محترم مدرسین حرفی نمی‌توانم بزنم، هرطور خود و جامعه صلاح دانستید عمل کنید. اگر در این زمینه‌ها حرفی زده‌ام و یا چیزی نوشته‌ام آنگونه که مصلحت

تشخیص داده‌ام عمل کرده‌ام..." در مطبوعات به محتوی نامه آذری قمی و مسایل مورد اختلاف در حوزه علمیه که منجر به تقاضای میانجیگری خمینی گردید، اشاره‌ای نشده است. تنها روزنامه "رسالت" نامه آذری قمی را انتشار داده است. روز پنجشنبه ۱۴ مهر در جلسه هفتی مجلس کروی با اشاره به اقدام روزنامه رسالت، خواستار انتشار نامه‌های سابق خمینی در مورد "رسالت" و "جامعه مدرسین حوزه علمیه قم" شد.

۱۳۸ تن از فروشندگان ارز

در تهران دستگیر شدند

در هفته اول مهر ماه ۱۳۸ تن در تهران به اتهام خرید و فروش غیر مجاز ارز و سکه طلا دستگیر شدند. فرمانده کمیته انقلاب اسلامی استان تهران اعلام داشت که دستگیر شدگان قبل از آغاز عملیات پاسداران، در خیابانهای فردوسی، منوچهری و پاساژ اسلامبول و کویتیه‌ها مشغول خرید و فروش ارز و سکه طلا که غیر مجاز است بودند. در جریان مرحله اول "طرح جمع‌آوری فروشندگان غیر مجاز سکه و ارز" ۵۰۰ واحد صنفی به عنوان متخلف محروم و محروم شدند و فعالیت آنان متوقف گردید. فرمانده کمیته‌ها، تأکید کرد که عملیات ادامه خواهد یافت و از تبدیل واحدهای صنفی به مراکز خرید و فروش ارز جلوگیری خواهد شد. وی افزود: به علت اینکه "هویت" منابع انتشار ارز و سکه روشن نیست، "مراجع انتظامی و قضایی قادر به پیگیری نیستند."



صف بی‌پایان مسافران در ایستگاه اتوبوس

احمد خمینی مفسر و ناشر انحصاری گفته‌های خمینی شده است

علاوه بر این هم اکنون در تعیین و ترسیم خطوط آتی سیاست عمومی رژیم جمهوری اسلامی کشاکش‌های شدیدی میان سردمداران رژیم جریان دارد. هریک از آنان می‌تواند به این یا آن بخش نوشته و گفته‌ای از خمینی استناد کند. در رژیم فقها، پس از خمینی نیز نشان دادن انطباق کارکرد رژیم با "اسلام ناب محمدی" خمینی اهمیت کمی ندارد. جناحی و جریانی که حق قضاوت پیرامون این مهم را برعهده داشته باشد، در موقعیت مناسب‌تری در مواجهه با رقبای قرار می‌گیرد. اکنون احمد خمینی با کسب این حق مهره ارزشمندی در میان مجموعه حکومتمگران می‌شود و جناحی که وی متعلق به آن است دارای آن توان می‌شود که هر زمان خرجینی از کلمات و فتاوی آقا ردیف کند و رقبا را دچار مخمصه نماید. احاله این حق تازه به حجت الاسلام احمد خمینی این طلبه کم سواد در سیستم فقها، کوششی برای نامین سهم ثابت و پایدار برای وی در رژیم فقهاست.

پسر و پدر در روزنامه‌ها اعلام گردید. بهانه این مکاتبه آن بوده است که گویا در برخی از آثار منتشره خمینی بی‌دقتی‌هایی دیده می‌شود که محتاج تصحیح است. اما حقیقت فراتر از آن است و اینست که خمینی آن زمان که "خوش خوش مستانش بود" بی‌محابا لفرپراکنی می‌کرد و اکنون همه آنها در کنار یکدیگر آش همه جوشی شده است که کار دست میراث‌خواران می‌دهد و یا آن برای هیچ سیاستی مستند فقهی و شرعی نمی‌توان سرهم کرد. علاوه بر این پیشبرد سیاست جاری رانیز دشوار می‌سازد و وسیله ریشخند بنیانگذار جمهوری اسلامی توسط مردم را فراهم می‌آورد. مثلاً آن همه توپ و تشری که در مورد جنگ اسلام و کفر زده است اکنون وسیله‌ای برای تمسخر وی شده است و بتدریج می‌بایست حذف گردد تا به فراموشی سپرده شود. بخشی از وظیفه تازه احمد خمینی تعیین آن بخش‌هایی از فتاوی و اراجیف پدر است که باید به خاطر مصالح کل نظام زوده شود.

به "خطامام" را از آن خود نماید. رتبا و مدعیان در این میانه اندک نیستند، ولیعهد امام منتظری، حوزه علمیه قم، شورای نگهبان و... اما بنحوی فافلگیرانه این رقابت را احمد خمینی برد که در سلسله مراتب روحانیت طلبه کم سواد است اما در هرم حکومتی در طی سالهای اخیر جایگاه محکمی به چنگ آورده است. خمینی در نامه‌ای به وی بر "صاحب نظر" بودنش در "مسائل سیاسی و اجتماعی" گواهی داد و حق گردآوری و نشر نوشته‌ها و گفته‌هایش و تفسیر آنها را در موارد اختلاف و شبهه به وی تفویض کرد. برای اینکه موقعیت فرزند آقا در بهره گیری از این حق در مصاف‌های آتی میراث‌خواران تقویت شود اجازه داد افشا شود که بسیاری از آن فتاوی و پیام‌هایی که بنام "امام" به مثابه منشا وحی به‌خورد مقلدین داده می‌شد، توسط همین احمد آقا فرزندی‌شان تقریر گردیده است. این حق و موقعیت تازه "احمد آقا" از طریق درج مکاتبات میان

خمینی برای میراث‌خوارانش، مشکلات بسیاری را بر جانها ده است. مردمی سرشار از نفرت از حکومتی که وی بنیانگذار آن بوده است، حاکمیتی سرشار از کشاکش که همه اعضا آن به یکدیگر چنگ و دندان نشان می‌دهند و... از میان همه آنها مجموعه بی‌پایانی از نوشته و گفته‌های ناسخ و منسوخ که می‌بایست رهنمونی برای پیاده کردن "اسلام ناب محمدی" در شرایط امروزی باشد و اکنون برای همه خزعبلاتی که از خمینی برجا مانده است، چنان پرتافض و انباشته از چنان یاوه‌هایی است که کار میراث‌خوارانش را برای استناد بدان بقایت دشوار می‌کند و بویژه هریک از دستجات رقیب می‌توانند به سود خود و علیه طرف مقابل از میان آن مجموعه پرتافض فتاوی متنی را بیرون بکشند. حل این مشکل اکنون که خمینی با گور فاصله اندکی دارد برای میراث‌خوارانش امر مبرمی شده است و هریک از آنها می‌کوشد حق تفسیر کلام "امام" و حق انتساب سیاست خود

از رویدادهای ایران

قرار داد ۵/۱ میلیارد دلاری ایران و برزیل

بر اساس پروتکلی که در اجلاس مشترک اقتصادی ایران و برزیل در ریودوژانیرو به تصویب رسید، جمهوری اسلامی برزیل از واحدهای صنعتی وابسته به وزارت صنایع و صنایع سنگین را بر اساس "قرارداد بی‌یک" در اختیار برزیل قرار می‌دهد تا سرمایه‌داران برزیلی - آمریکایی بتوانند با استفاده از صنایع و نیروی کار ایرانی محصولات مورد نیاز را در ایران تولید کنند.

اجلاس مشترک اقتصادی ایران و برزیل دو هفته پیش در ریودوژانیرو و با حضور شافعی وزیر صنایع جمهوری اسلامی و پائولوتا سو قائم مقام وزیر امور خارجه و تجارت برزیل تشکیل شد. در این اجلاس مسایل مربوط به ۱۰ وزارتخانه در کمیته صنعت و تجارت توسط طرفین مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در پایان اجلاس مقرر شد که حجم مبادلات دو کشور تا میزان یک و نیم میلیارد دلار افزایش یابد. در چارچوب قرارداد، برزیل با افزایش خرید نفت از ایران موافقت کرد و قرار شد روزانه ۱۵۰ هزار بشکه نفت به برزیل صادر شود. در این قرارداد ایجاد ۷ کارخانه تولید شکر از نیشکر در

از سوی فرهادی وزیر فرهنگ و آموزش عالی، حجت الاسلام محسن رهامی به سمت معاونت روابط عمومی و امور مجلس وزارت فرهنگ و آموزش عالی منصوب شد. وی در مجلس از لویایح و طرح‌های مربوط به فرهنگ و آموزش عالی دفاع خواهد کرد.

در آغاز سال تحصیلی دانش‌آموزان راهنمایی و دبیرستان بدون کتاب به سر کلاس رفتند و تا دو هفته بیش از ۳۰ عنوان کتاب آنان ناقص بود و بنابه نوشته مطبوعات دولتی به نقل از مسئولین وزارت آموزش و پرورش، تا نیمه آبان کتابهای درسی دانش‌آموزان راهنمایی و دبیرستان تکمیل نخواهد شد.

برنامه ۱۰ سال آینده صنعت نفت کشور اعلام شد. در جزوهای که به همین منظور از سوی وزارت نفت انتشار یافته، فعالیت سه بخش عمده نفت، صنایع پتروشیمی و صنعت گاز با جزئیات تشریح شده است. افزایش تولید نفت خام از ۳٫۱ به ۳٫۶ میلیون بشکه در روز، احداث و بهره‌برداری از پالایشگاه بندرعباس، پالایشگاه اراک، بازسازی پالایشگاه آبادان، حفاری دریایی در خلیج فارس و دریای خزر، طرح مجتمع پتروشیمی اراک و مجتمع ایران و ژاپن، طرح پتروشیمی تبریز و... به عنوان محور برنامه ۱۰ ساله صنعت نفت اعلام شده است. هزینه پیش‌بینی شده برای اجرای طرح‌ها ۴۵۰ میلیون دلار است. در این برنامه به خطلوله انتقال نفت خام ایران به ترکیه اشاره‌ای نشده است.

خوزستان با ظرفیت هریک ۱۱۰ هزار تن، یک کارخانه تصفیه شکر با ظرفیت ۴۰۰ هزار تن در سال، ۷ واحد تولید خمیر کاغذ، یک واحد ۲۰۰ هزرتنی تولید کاغذ تحریر و روزنامه، یک واحد ۲۰۰ هزرتنی تخته چندان، یک واحد ۲۰ هزرتنی تولید پروتئین دامی با همکاری برزیل تصویب شد.

بنا به اظهارات شافعی وزیر صنایع، در اجلاس ریودوژانیرو "جمهوری اسلامی پیشنهاد کرد در صورتی که برزیل تمایل به ایجاد صنایعی در یک کشور ثالث در منطقه را داشته باشد با استفاده از ظرفیت‌های خالی کارخانجات بخشی از ماشین آلات مورد نیاز این صنایع در ایران ساخته شود." همچنین جمهوری اسلامی پیشنهاد کرد: "با استفاده از ظرفیت‌های خالی کارخانجاتی نظیر داروسازی و پودر لباسشویی در ایران، محصولات این کارخانجات به برزیل و یا کشورهای ثالث دیگر صادر شود."

از میان دیگر رویدادها

کلیات لایحه برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی هفته گذشته در جلسه هفتگی مجلس مورد بحث و بررسی قرار گرفت و تصویب مفاد آن به هفته جاری موکول شد. به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، این لایحه در کمیسیون برنامه و بودجه مجلس تصویب شده است.

شهادت دوفدائی کرد

بقیه از صفحه اول

رفیق عارف خلیفه زاده پیشگام قهرمان

هاوری خدر (رفیق عارف خلیفه زاده) در سنین نوجوانی در دفتر هواداران سازمان در سقز در جمع رفقای پیشگام دانش آموزی به انجمن ام و وظایف

انقلابی پرداخت. او که در جریان سال ۵۷ به همراه دانش آموزان سقز نبرد علیه رژیم ستمشاهی را آزموده بود، بعد از انقلاب سرشار از انرژی فعالیت انقلابی را دوچندان کرد. مردم کردستان هنوز طراوت شبینم کوهساران را در اولین بهار آزادی بخود ندیده بودند، که هواپیماها در آسمان ظاهر شدند، و خیل آدم گشایان تحت عنوان ارتشی و پاسدار به شهرها و روستاها سرازیر شدند، بعد از سنج، سقز، شب و روز گلوله باران شد، آنهانگام که هواپیماها برای یافتن پیشمرگان، رسامها را پرتاب می کردند و تانکها به دروازه شهر رسیده بودند، پیشگامان از جمله هاوری خدر بدنبال پیشمرگان آذوقه حمل می کردند، با تسخیر دوباره شهرها توسط پیشمرگان، رفیق عارف دوباره در دفتر پیشگام در سقز فعالیت انقلابی خود را پی می گرفت. جنگ باردیگر در بهار ۵۹ باعث آواره شدن عمومی مردم سقز شد، پیشگامان این بار در اردوگاه آوارگان در شهر بوکان به جنب و جوش پرداختند، هاوری خدر به دنبال کار، همه جا بود.

استقرار دوباره رژیم در شهرهای کردستان تجربه دیگری برای رفیق بود. او که در دوران نبرد مرگ و زندگی در میان فدائیان و خانواده زحمتکش فدکاری را آموخته بود، آزموده تر شده، دوران کار مخفی علنی را آغاز کرد که با توجه به شرایط و مواضع سازمان کاری بس مشکل بود. بعدها گسترش سرکوب علیه سازمانهای چپ در سال ۶۲ وضعیت بس پیچیده تری پدید آورد. برای بسیاری از رفقایمان، تنها راه ممکن خروج از شهرها بود، رفیق عارف در کوه استعدادهای ویژه خود را به نمایش گذاشت او در عین انجام وظایف محوله در مقرر مدام می خواند و می آموخت. لحظه ای را از دست

طرف دیگر در معرض فشار آزار و حتی زندان و ترور از جانب دیگر نیروها قرار گرفتند. کار رفیق عمر در این شرایط از ارزش والایی برخوردار بود.

شهریور سال ۶۲ در یکی از مقرهای سازمان در کوه سراقش را گرفتم، رفته آذوقه بیاورد، به انتظار نشستم. از دور پیدایش می شود، باری را که شاید کمتر از وزن خودش نباشد کیلومترها با پای پیاده با خود آورده است. در آغوشم جای میگیرد و بوسه بارانش میکنم. تمام بدنش خیس هرق شده، او که حالا دیگر در مرز چهل سالگی قرار گرفته همچنان با روحیه و سرزنده است. چهره اش تکیده تر و پیرتر به نظر میرسد، جثه اش لاغر تر و نحیف تر گشته و موهاش به سفیدی گرائیده اما عشق و پایداری اش دوچندان شده است. اولین سئوالا تش در مورد مردم و رفقایاش است. آهی از درون می کشد، حال برایم دلایل پیری زودرسش عیان میشود.

اینجا هم کمتر می توانستی او را در حالت آرامش ببایی. برای هر کار سختی داوطلب بود، گاهی روزها و هفته ها فیثب می زد و موفق از ماموریت بر می گشت در مقرر مشغول کار ساختمانی، خشت بری، سنگ کنی، چوب بری بود و یا مشغول آشپزی و نانواپی، همیشه می گفت اگر یک روز برگردم یک نانواپی باز خواهم کرد، برآستی در این کار هم استاد شده بود. نان مام علی هالی ترین نان مقرر بود. مام علی در آن شرایط سخت کوه که حتی گاهی نان خشک هم پیدا نمی شد منبع انرژی همه رفقا بود.

مام علی در زمستانهای سخت کردستان در آن سرما و کولاک و یخبندان که ۶ ماه سال را در بر می گیرد سالها در محرومیت کامل پایداری نمود، هشق مردم، هشق به رهایی و هشق به انقلاب، هشق به سازمان هر سختی را در برابرش آسان می نمود، او که به تناوب معلم، دانشجو، دبیر، کارگر و پیشمرگ بود، خوب میدانست و الا ترین گوهر، ارزش انسانی است و ما با از دست دادن او یکی از با ارزشترین گوهرهایمان را از دست دادیم.

گیرش می آوریم. در گوشه ای بجهای را بقل کرده اشک هایش را پاک کرده با او بازی می کند، مادر بچه از نداشتن آب و نبود امکانات می گوید. مام علی از جا کنده شده، با یک سطل آب و چند پتو بر می گردد. مادر بچه پتوها را گرفته می گوید: بزی کاکه (زنده باشی برادر). چهره خسته و تکیده چند شب پیش اینک فرق در شادی می شود. این انسان آرزومند، این عاشق دلسوخته مردم، از شادی مردم لذت و انرژی می برد و از رنج آنها در می کشد.

خصائل برجسته انسانی با وجود و زندگی اش عجین شده بود. غروب یکی از روزهای خرداد ۵۹ آرام در اطاق را باز می کند و شعر همیشگی اش را می خواند:

سه لامو هلیکم همه
میوانی توم نم ژمه

روح ساده و صمیمی اش بر هر انسانی تاثیر می گذارد. می پرسد: امشب چکار می کنی؟ جواب میدهم دو ماهی هست منزل نرفته ام می خواهم امشب سری به بچه ها بزنم. در میان راه، از شهرش، مردم و از آرزوهای آنها می گفت، او که خود در محرومیت بزرگ شده بود، برای رهایی مردم از دست دادن هر فرصتی را ناشایست میدانست، از همه چیز غیر از خودش صحبت می کرد. کار، تلاش، مبارزه شعاری بود که در زندگی اش جاری شده بود.

آنروزها گذشت مردم به شهرشان بازگشتند، بوکان همچنان در دست پیشمرگها باقی ماند، مام علی در فقیرترین محله شهر اطاقی اجاره کرد و خیلی زود دوست همین مردم محله شد، مردم فرقی بین خود او و احساس نمی کردند او که تجربه سالها کار و مبارزه در میان مردم را با خود داشت توانسته بود فاصله ها را از بین ببرد. رفیق هم یکی از موفق ترین کادرهای سازمان در هر صه کار توده ای بود. در فاصله سالهای ۵۹ تا ۶۲ به علت خط مشی سازمان فعالیت در میان مردم کرد مشکل بود. رفقای ما از یک طرف بخاطر مبارزه مسلحانه با رژیم تا سال ۵۹ در زیر تیغ جمهوری اسلامی قرار داشتند و از

هواپیماها راکت بارانها از کشته ها پشته ساخته است، نبرد سخت پیشمرگان و نیروهای نظامی آخرین ساعت خود را می گذرانند، اولین تانک به روی پل شهر می رسد، ارتش و سپاه و بسیج دیوانه وار وارد شهر شده به هر جنبه های شلیک می کنند. مغرزه (دسته) ما که هفته ها یکی از سنگرهای اصلی شهر بود، اکنون روی تپه ای در محاصره قرار گرفته است، همه دراز کش شده اند، از کنار گوش و بالای سرمان گلوله های ژ. ۳ صغیر کشان می گذرند، تنها راه عقب نشینی به سمت بوکان است. در مسیر سقز-بوکان دسته دسته مردم پیاده و سواره در حال حرکت هستند، هواپیماها اطراف جاده ها را می کوبند، غم و رنجی بس عظیم همه را در برگرفته است، در این میان افراد خسته و تکیده ای را می بینی که خود را فراموش کرده در صدد کمک به مردم هستند، یکی از اینان که چند شب در حالت بی خوابی و بی غذایی در نبرد با پاسداران تباهی بود، مام علی (همو علی) است.

بهار سال ۵۹ سقز پس از روزهای متعادی مقاومت به چنگ رژیم می افتد، چندین هزار نفر مجبور به اقامت در شهر بوکان می شوند، مام علی با همکاری دیگر رفقا برای تامین زندگی و آسایش مردم تلاش فوق العاده ای می کند، او را در همه جا می بینی اردوگاه، اشکان، شهرداری، ستاد سازمان، دفتر پیشگام و هر جا که مردم اسکان یافته اند، دفتر پیشگام بوکان که اینک محل دفتر پیشگام سقز نیز می باشد، پر جنب و جوش تر از همیشه است، اسم مام علی مرتب شنیده می شود، همه بدنبالش هستند، درهای اطاق های پیشگام مرتب باز و بسته می شود. یکی می پرسد مام علی کجاست؟ رفته اردوگاه آن یکی جواب می دهد: نخیر رفته دفتر اسکان، دیگری که تازه از راه رسیده می گوید رفت به طرف ستاد سازمان. تلفن زنگ می زند سراق مام علی را می گیریم، می گویند الان رفت شهرداری و بالاخره در استادیوم

ضرورت همبستگی با خلق کرد در عراق

در اردوگاههای پناهمجویان کرد هراتی در ترکیه، هر شب دست کم ده نفر از سرماهی می‌رند. همه گرسنه‌اند، از امکانات درمانی و بهداشتی محرومند و اکثر اشبهای سرد منطقه کوهستانی جنوب کردستان ترکیه را بدون پتو و زیر انداز به صبح می‌رسانند. شبها و روزهای سردتری در پیش است، بی آنکه به آنها نمکی رسانده شود. کمک رسانی‌ها تاکنون مصرف تبلیغاتی داشته و اکنون به میزان زیادی از حجم کمکهای تخصیص داده شده، کاسته شده است.

در اردوگاههای آوارگان کرد هراتی در ایران نیز وضعیت به همین گونه است. حدود ۳۵۰۰۰ کردی که در ایران پناه گرفته‌اند و اکثراً در اطراف شهر ارومیه اسکان داده شده‌اند، در شرایطی مشابه با وضعیت ۱۵۰ هزار آواره کرد در ترکیه به سر می‌برند. جمهوری اسلامی در هفته گذشته اعلام کرد که از این پس جلوی ورود پناهمجویان کرد به ایران را خواهد گرفت و این در حالی است که دولت ترکیه نیز چنین رویه‌ای را پیش گرفته و علاوه بر آن آوارگان تازه را به سمت مرزهای ایران می‌راند. هم اکنون همه

کثیری از آوارگان نه می‌توانند به داخل ایران و نه به داخل ترکیه راه یابند و این در حالی است که رژیم هراتی در تعقیب آنان است و با شدت مشی جنایتکارانه سرکوب تمام هیار را پیش می‌برد.

رژیم‌های حاکم بر ایران، عراق و ترکیه در کینه‌ورزی نسبت به خلق کرد وحدت نظر کامل دارند. هر سه در قلمرو حکومتی خود نسبت به خلق کرد یکسان عمل می‌کنند. و هر سه بدان امید بسته‌اند که پس از پایان گرفتن جنگ ایران و عراق، به "مساله کردستان" از طریق تشدید سرکوب و همکاری‌های دو جانبه و سه جانبه - امروز به صورت ضمنی و فردا به صورت رسمی - "به طور قطعی" پایان دهند. خلق کرد در هر سه کشور ایران، عراق و ترکیه، رکن اساسی جنبش بوده و کردستان همواره حکم یک سنگر مقدم مبارزه و یک پایگاه همده حمایتی از جنبش سرتاسری در سه کشور را داشته است. رژیم‌های سه کشور با سرکوب خلق کرد می‌خواهند جنبش را از یک نیروی همده و از یک پایگاه حمایتی پر اهمیت محروم سازند.

آغاز کرده بود، به علت پی‌گرد نتوانست ادامه تحصیل بدهد. آرزویش تحصیل در یکی از دانشگاه‌ها بود، رفیق در سال ۶۵ یک بار به کردستان برگشت اما هدم امکانات بار دیگر او را به کوه بازگرداند، سرانجام بعد از ۵ سال محرومیت مطلق به همراه همدهای دیگر بوسیله راکت در خون قتلید او آخرین بازمانده و دومین شهید فدایی خانواده‌اش بود، هاوری خدر (رفیق هارف خلیفه زاده) نه فقط محبوب رفقای در سقز و بوکان بلکه محبوب همه رفقا و دوستانش و آنان که او را می‌شناختند بود، او نگینی بود در میان پیشگامان کردستان. یاد و خاطره این پیشگام فدایی تا بد در جان‌ها باقی خواهد ماند.

دهرزی گاژن بوودلم له‌سویی شهیدانی‌نهر

به‌س‌تیه، مه‌ودام بدون توزکالی ته‌سکیت‌ده‌وی

نمی‌داد. روح پژوهشگرش او را به اندیشیدن وامی‌داشت. حتی چه پر حوصله در گیاه، درخت، گل و میوه طبیعت پیرامون تحقیق می‌کرد. روزی رفقای‌اش را به چای تمشک دهنوت می‌کرد و روز دیگر به ... او خیلی خوب هلی‌رفم سن کم توانسته بود بر شرایط سخت کوه غالب شود و خود را با محیط وفق دهد، انقلابی پیشگام ما که صبوری و فداکاری را از برادر شهیدش فدایی خلق رحمان و سرپرست خانواده، مادر زحمتمکش یاد گرفته بود، حقیقتاً تجسم صداقت، پاکي، مهربانی، خویشتن‌داری، فداکاری و سبیل یک پیشگام بود. آرزو داشت ادامه تحصیل بدهد، وضعیت ویژه کردستان و فقر خانوادگی به او مانند هزاران دیگر اجازه نداد پشت میز مدرسه بنشیند، او که از سن ۱۴ سالگی فعالیت انقلابی را

جنبش خلق کرد در عراق از یک سابقه تاریخی طولانی برخوردار بوده و از نظر سن و تجربیات مبارزاتی بسیار قنی است. استمرار این بخش از جنبش خلق کرد، بدان یک نقش کانونی بخشیده و از این جهت همواره به مثابه یک پایگاه در حمایت از مبارزه خلق کرد بویژه در ایران عمل کرده است. آیا ادای دین ایجاب نمی‌کند که حسابگری‌های سیاسی کنار گذاشته شده و پرده سکوت در مورد جنایاتی که از سوی رژیم بغداد علیه خلق کرد در عراق روا می‌شود، دریغ شده گردد؟

البته مساله را صرفاً نباید از زاویه "ادای دین" دید. موضوع این است: در بقل گوش ما حمام خون به راه انداخته‌اند، چند هزار روستا را ویران و ده‌ها هزار تن را آواره کرده‌اند. آیا جایز است که در مورد این جنایات سکوت شو؟ همبستگی بین خلق‌ها و جنبش‌ها اگر در اینجا تجلی بارزی نیابد پس قرار است کجا نمود یابد و به اثبات برسد؟ فقط در مجادلات قلمی؟ همه سازمانهای سیاسی اپوزیسیون در ایران برای جلب حمایت بین‌المللی از مبارزات مردم ایران و افشا و محکومیت رژیم خمینی در انتظار جهانیان وسیعاً تلاش می‌کنند. همه می‌کوشیم نظر جهانیان را به سوی آنچه که در ایران می‌گذرد، جلب کنیم و مردم ایران را در مصاف با رژیم خمینی از یک حمایت بین‌المللی برخوردار سازیم. اما آیا درست است که از "دیگران" توقع حمایت داشته باشیم و از خود متوقع نباشیم که به نوبه خود به حمایت از "دیگران" برخیزیم؟ آیا وقتی پای محاسبات پیش می‌آید، به سادگی می‌توان "اصول" را به دست فراموشی سپرد؟

در حمایت از خلق کرد در عراق در شرایط تلخ کنونی، سازمانهای ایرانی امتحان بدی پس دادند. اکثر اسکوت کردند که گویا اتفاقی نیفتاده است و لابد برای سکوتشان توجیهات "تاکتیکی" مختلفی دارند.

اگر برای همدهای این سکوت "تاکتیک" است، نحوه برخورد

رهبری مجاهدین خلق با جنایاتی که جلوی چشمشان جریان دارد، حاکی از سیاستی همومی و ریشه‌دار است. رهبری مجاهدین طبیعتی بود که چشم خود را بر جنایات صدام حسین بندد، ولی گویا "سکوت" کافی نبود و لازم دانست نشان دهد در مصافی که در کردستان جاری است، در کدام سمت ایستاده است. دو خبری که در صفحه ۳۹ شماره ۱۴۷ نشریه مجاهدین در رابطه با "اکراد هراتی" درج شده، به خوبی نشان می‌دهد که رهبری مجاهدین چنان علیه خلق کرد موضع می‌گیرد و می‌کوشد از جار جهانی از جنایات رژیم صدام حسین در کردستان را به دولتهای امپریالیستی و ارتجاعی منسوب کند. در نشریه مذکور این دو تیتیر جلب توجه می‌کنند:

"سپاسگزاری جلال طالبانی از ریگان" و "براز همبستگی اسحاق شمیر با اکراد هراتی". رهبری مجاهدین باین دو تیتیر سکوت خود را در مورد جنایات جاری در کردستان هراتی شکست، آنهم در جهت تخطئه انزجار جهانی نسبت به جنایات صدام، رهبری مجاهدین که خود تلاش فراوانی برای جلب حمایت دولتهای غربی به خرج داده و می‌دهد، دست کم بهتر بود برای تخطئه جنبش خلق کرد، به این منطق توسل نمی‌جست. این نحوه برخورد هلاوه بر این که نشان دهنده موقعیت فم‌انگیز رهبری مجاهدین در بغداد است، در درجه اول از سیاست همومی رهبری مجاهدین در قبال خلق کرد، نشأت می‌گیرد. رهبری مجاهدین حتی اگر هم می‌خواست مصلحت اندیشانه باین تضییع مواجه شود، می‌بایست دریابد که تضعیف جنبش‌ملی در کردستان هراتی به سود هیچ یک از سازمانهای اپوزیسیون در ایران نیست.

اگر نحوه برخورد رهبری مجاهدین با جنایاتی که در کردستان هراتی جریان دارد، در چارچوب سیاست همومی آنان قابل فهم است، سکوت دیگران در این زمینه غیر قابل توجیه است و جای سؤال و تعجب دارد. و نه فقط تعجب که تاسف، تاسف که چگونه محاسبات تاکتیکی منجر به فراموشی اصولی می‌شود که آنقدر بدیهی‌اند که پیش از این که باری ایدئولوژیک داشته باشند، اموری وجدانی‌اند. به راستی که باید متاسف بود.

حکومت ماند و کوهی از مشکلاتش: اقتصادی و ورشکسته، صفوف متشتت و متشنج حزب الله و مردمی که برای حکومت و گزرمه‌هایش، بقول معروف دیگر "ترده‌هم خورد نمی‌کنند"

آتش‌بس، از یک سو سطح انتظارات مردم را بالا برد و از سوی دیگر، امید به آینده و تا حدی، شادابی زندگی را باز گرداند. در میان همه اقتضای اجتماعی، شادمانی از صلح در پیش رو، و امید به آینده پس از آن، همومیت دارد. شادمانی از آتش‌بس، همگانی است. اما امیدها و انتظارات برای آینده، متفاوت است.

زحمتکشان، که اکثریت جامعه را تشکیل می‌دهند، چه می‌خواهند؟ آنها می‌خواهند که قبل از هر چیز، کار ایجاد شود؛ جوانی که به سن بلوغ پامی‌گذارد،

خود را در برابر آینده‌ای تیره و تار که در آن مجبور است به سیگار فروشی کنار خیابان رو آورد، نبیند؛ کار شرافتمندانه و مولد، ارزش خود را در جامعه باز یابد؛ مواد غذایی و اجناس ضروری، به میزان کافی، بدون جیره بندی و با حذف بازار سیاه، عرضه شود؛ وضع ناسامان بهداشت و درمان در محلات فقیرنشین بهبود یابد؛ تحصیل و مدرسه رونق پیدا کند و... از نظر مردم پایان جنگ این خواستها باید برآورده شود و در همدام اجرای آنها هیچ عذر و بهانه‌ای پذیرفته نیست. آمیدی که مردم از این بابت به آینده دارند، در صورت ناکام ماندن، می‌تواند به خشم تعرض‌کننده‌ای تبدیل شود.

روشنفکران مردمی، معلمان، متخصصان میهن پرست و آزادیخواه، انتظار دارند به کار و زحمت آنها ارج واقعی نهاده شود. اکثریت آنها، حاضرند در خدمت بهبود شرایط زندگی مردم قرار گیرند. خواسته‌های زحمتکشان، خواسته‌های آنها نیز هست.

اما اقلیتی که از ۸ سال جنگ، بیشترین سود را برد، امید و انتظارش این است که "بازسازی"، همان شرایط جنگی منهای جنگ باشد. بسیاری از سرمایه‌داران، از هم اکنون کیسه‌ها را برای دوره جدید چپاولگری می‌دوزند. خیلی‌ها خود را با شرایط جدید وفق می‌دهند و برای هم کاسه شدن با شرکای خارجی، آماده می‌شوند. اینها، تحولات و صف بندی‌های درون هیأت حاکمه را به دقت دنبال

روزهای جنگ بصورت مستقیم و بالفعل وارد هر صده معادلات نشد. در بین طرفداران رژیم، خبر نوشیدن جام زهر خمینی، بسیاری "حرمت‌ها" را شکست. حزب اللهی‌ها که تا آن روز یک چیزی هم از مردم طلبکار بودند، در روزهای نخست پس از اعلام پذیرش قطعنامه، در برابر ریشخندها، کنایه‌ها و سرزنش‌های مردم چاره‌ای نداشتند جز آنکه سرخود را پایین بیندازند، اما در عوض به جان هم افتادند. خیلی از آنها وقتی نمی‌دیدند رفسنجانی مسئول اصلی تحول جدید است،

سپهسالار خمینی را که تا آن روز، "یار امام" بود، تکفیر کردند. خبری حاکی است که در یک مرکز نظامی در اصفهان، یک حزب اللهی دو آتشه در آن روزها هکس رفسنجانی را به زیر کشید و زیر پای خود پاره کرد. بازار افشاگریمای متقابل حکومتی علیه هم داغ شد. شایعات مربوط به همین نسبت قوت گرفت. یک روز شایع می‌شد سپاه منحل خواهد شد، روز دیگر شایع دعوت از عزت الله سبحانی برای نخست وزیری انتشار می‌یافت...

عملیات مجاهدین در غرب کشور برای حزب الله نجات بخش بود و آنها را بطور موقت متحد کرد. حزب الله که پیش از این بناگزیر به شدت در لاک دفاعی فرو رفته بود دوباره در موقعیت تعرض گستاخانه قرار گرفت. "قوای اسلام" که از پس صدام بر نیامده و شکست سختی خورده بودند، برای کشتار مجاهدین بسیج شدند. سرافکنندگی حزب اللهی‌ها جای خود را به فالانژ بازی و هریده کشی داد. در روزهای عملیات و روزهای پس از آن، کنترل شهرها و جاده‌ها به شدت افزایش یافت. مردم با نفرت با تالانگری‌های حکومت برخورد می‌کردند. بویژه شکست مفتضحانه در برابر ارتش عراق و سپس حمله وحشیانه با نیرویی ده‌ها برابر نیروی مجاهدین برای سرکوب آنها، از نظر مردم اقدامی نفرت انگیز بود.

برای رژیم، تاثیر "نجات بخش" و قایع غرب کشور، دیری نپایید. پس از عملیات "مرصاد" و هیاهوی مربوط به آن،

برای نمونه، بازار تغییر اوضاع را در تمام ابعاد آن دریافت. در عرض چند ساعت و گاه چند دقیقه، قیمت ارز، طلا، اجناس وارداتی، اتومبیل، لوازم برقی و نیز به میزان محدودی، برخی مواد غذایی و کالاهای مورد نیاز روزمره مردم، پایین آمد. شدیدترین کاهش، مربوط به ارز و طلا بود. خیابانهای فردوسی، منوچهری و اسلامبول تهران در آن روزها تماشایی بود. جای سوزن انداختن نبود. فروشنده‌گان ارز و طلا، با خریداران سر قیمت توافق می‌کردند، اما تا دو طرف

می‌رفتند ارز و طلای مورد معامله و پول را بیاورند، قیمت باز هم پایین تر آمده بود. در آن روزها، قیمت ارز تا یک سوم هم پایین آمد.

معروف است که این تشویر و تحولات اقتصادی، موارد سکنه را در بازار افزایش داد. اما اشتباه است اگر تصور شود ضرر و زیان تنها متوجه سرمایه‌داران بزرگ مردم عادی هم لطمه‌پذیری خوردند. در شرایطی که حقوق و دستمزدها، کفایت نصف مخارج را هم نمی‌دهد، طبیعی است که بسیاری از مردم، کارمندان، جوانان بیکار و حتی کارگران، به خرید و فروش روی بیاورند تا بتوانند امرار معاش کنند. بودند کارمندان و کارگرانی که آخرین پس‌انداز خود را صرف خرید مقدار ناچیزی طلا می‌کردند. روزهای آخر تیرماه، برای این عده هم روزهای خوبی نبود. البته بعید است که یک کارگر یا کارمند از این بابت سگته کرده باشد!

مجموعه شرایط روزهای نخست، ناباوری و سپس تردیدی که به جایش نشست، شرایطی نبود که روحیه تعرضی مردم را ایجاد کند. تحول، از "بالا" صورت گرفته بود، و واکنش "پایین" در برابر آن هم بیشتر تاثیر پذیری بود با تاثیرگذاری. البته بدیهی است که سالها مبارزه منفی مردم با جنگ، غیبت مشمولان و فرار سربازان، عدم پشتیبانی مالی کافی از ماشین جنگی و... یکی از مهم‌ترین عوامل شکست رژیم بود. اما این عامل، در آخرین

از صفحه آخر شاید بتوان گفت همه‌ترین و همومی‌ترین احساس در میان همه مردم با شنیدن خبر پذیرفتن قطعنامه ۵۹۸ توسط حکومت آخوندها، ناباوری بود. بجز جمعی از برگزیدگان دربار خلافت، همه با انتشار خبر بهت زده شدند.

شاید به جز مقامات حکومتی، در این میان یک استثنای دیگر را کسانی تشکیل دهند که چه به علت موقعیت شغلی یا فعالیت اقتصادی خاص خود، و چه به دلیل دنبال کردن دقیق روندهای سیاسی، چه در درون رژیم، چه به لحاظ بین‌المللی و در ارتباط با جنگ، "بوی صلح" را استشمام کرده بودند. اما اگر این شمار معدود را کنار بگذاریم، ناباوری، احساس و روحیه‌ای فراگیر بود. در میان حزب اللهی‌ها، این ناباوری صورت مضحکی به خود گرفته بود. مثلا اگر یک حزب اللهی از یک فرد حزب اللهی خبر را برای نخستین بار می‌شنید، به او پرخاش می‌کرد که "شایعات ضد انقلاب" را می‌پراکنند. برای آن

فلک زده‌هایی که خزیه‌لات رژیم در مورد فتح کربلا رباور کرده بودند، گاه لازم شد که چندین بار خبر را از رادیوی خود رژیم بشنوند تا آن را باور کنند. برای مردم هم، باور کردن خبر دشوار بود. مگر نه اینکه با انتصاب رفسنجانی به جانشینی فرماندهی کل توان، همه انتظار داشتند حداقل یک حمله جنون آمیز دیگر صورت گیرد؟ و مگر نه اینکه سربازگیری شدت گرفته بود و هر روز خبر اعزام گروهی دیگر را به جبهه‌ها اعلام می‌کردند؟

ناباوری اولیه پس از مدتی در میان مردم جای خود را به شک و تردید داد: "نه، این بی شرفها دروغ می‌گویند. تاکتیک می‌زنند تا نفس تازه کنند." "خمینی از جنگ دست بردار نیست" و... حق هم داشتند. هیچ چیز عوض نشده بود. جنگ با شدت سابق و حتی شدیدتر ادامه داشت. سربازگیری ادامه داشت. هنوز وحشت موشک باران از تن و جان مردم رخت بر نبسته بود. هنوز دستور العمل‌های مربوط به حملات شیمیایی و رفتار پس از آن، بر در و دیوار بود و از رادیو تلویزیون خوانده می‌شد. و هنوز، رژیم جنایتکار عراق به حملات خود ادامه می‌داد.

اما شک و تردید، به اندازه ناباوری اولیه همومیت نداشت.

تصميم اکثريت مردم شیلی این امکان را دارد که هر لحظه بار دیگر حکومت نظامی اعلام کند، ابزاری که او از ۱۹۷۳ تاکنون تقریباً بدون وقفه به کار برده است.

حزب کمونیست شیلی، در یک کنفرانس مطبوعاتی چند تن از رهبران حزب در سانتیاگو، شکست پیونوشه را پیروزی کل خلق شیلی دانست و بر ضرورت بسیج توده‌ها برای دستیابی به دموکراسی و آزادی تاکید کرد. در همین حال، رهبران حزب کمونیست شیلی نسبت به نقشه پیونوشه برای ایجاد شکاف در اپوزیسیون هشدار دادند. در این کنفرانس گفته شد بزرگترین خطر این است که دیکتاتور تلاش کند در اجرای مقاصدش دایر بر جلوگیری از آغاز گفتگو میان نظامیان و اپوزیسیون، به درگیری‌هایی بین نیروهای مسلح و مردم دامن زند.

کلودو میرو آلمیدا وزیر خارجه کابینه آینده و دبیرکل حزب سوسیالیست شیلی نیز که از ماه‌های قبل زندانی رژیم است طی مصاحبه‌ای گفت پیروزی "نه" تحت شرایط یک دیکتاتوری فاشیستی، نیروبخش دموکراتهای شیلی است. وی افزود اکنون وظیفه اصلی، مبارزه برای کناره‌گیری دیکتاتوری و لغو قانون اساسی ۱۹۸۰ است. آلمیدا اظهار داشت با تقویت اتحاد عمل همه نیروهای دموکراتیک، می‌توان رژیم پیونوشه را سرنگون کرد. آلمیدا خواهان لغو ممنوعیت احزاب سیاسی و بسندیکاهای برگزاری هر چه سریعتر انتخابات ریاست جمهوری و پارلمان و برسمیت شناخته شدن تناسب قوای پس از فراندوم از سوی نظامیان شد. □

شیلی: مبارزه با پیونوشه ادامه دارد

بقیه از صفحه اول

در همین حال، ناظران و سیاستمداران در سانتیاگو پایتخت شیلی تاکید می‌کنند که قدرت رژیم در هم شکسته است. حمله وحشیانه پلیس به تظاهرکنندگان و روزنامه‌نگاران، به روشنی نشان می‌دهد که هنوز کیست که بر شیلی حاکم است.

دیکتاتور، با قاطعیت خواسته بزرگترین ائتلاف اپوزیسیون مبنی بر اینکه پیش از پایان دوره ریاست جمهوری‌اش در مارس ۱۹۹۰، کناره‌گیری و هر چه زودتر راه انتخابات ریاست جمهوری و پارلمان را هموار کند، رد کرده است.

پیش از رای‌گیری، پیونوشه همه تلاش خود را به کار برده است تا قدرت خود را به مدتی طولانی تضمین کند. قانون اساسی ۱۹۸۰ که از سوی محافل وسیع اپوزیسیون به مثابه بزرگترین مانع بازگشت کشور به دموکراسی ارزیابی می‌شود، نه تنها برای ژنرال پیونوشه سمت رئیس‌کشور را تا سال ۱۹۹۰ پیش بینی کرده است، بلکه همچنین برای دوره پس از انتخابات نیز به نظامیان نفوذ نیرومندی در امور دولت می‌بخشد.

پیونوشه کماکان پست فرمانده کل نیروهای مسلح و رئیس شورای امنیت ملی را که می‌تواند در مسائل مهم، مانع اجرای تصمیمات یک رئیس‌جمهور غیر نظامی

شود، حفظ می‌کند. از این گذشته، دیکتاتور این حق را برای خود محفوظ گذاشته است که یک سوم سناتورها را منصوب کند. این امر تغییر قانون اساسی را تقریباً غیر ممکن می‌کند.

باتوجه به این موقعیت پیچیده، در برابر طیف گسترده اپوزیسیون بیش از گذشته این وظیفه قرار دارد که اقدامات خود را هماهنگ و هلیرفم اختلافات بزرگ، مشترک عمل کند. حزب کمونیست، اتحادچپ و مرکز سندیکای "س.ا.و.ت" (رهبری متحدزحمتگشان) خواهان بسیج همه نیروها برای وادار کردن دیکتاتور به کناره‌گیری و تحقق انتخابات آزاد شده‌اند.

آنچه مورد توافق همه است، این است که پیونوشه بزرگترین مانع برقراری شرایط دموکراتیک در شیلی است. اما هنوز درباره راه‌های برطرف کردن این مانع، اختلافات و بحث‌هایی وجود دارد. گفتگوها میان جریان‌های متعدد اپوزیسیون آغاز شده است. با احزابی نیز که تا اکتبر از پیونوشه حمایت می‌کردند و پس از پیروزی "نه" آماده سازش شدند، تماس‌هایی وجود دارد.

آنچه کل این روند را بادشواری مواجه می‌کند، این است که چند حزب اپوزیسیون، از جمله حزب کمونیست شیلی، ممنوعیت، این ممنوعیت، کارکردن این احزاب را مشکل می‌کند. پیونوشه هلیرفم

می‌کنند تا بتوانند به موقع، راه کسب بیشترین سود را دریابند. این روزها در بازار تهران، بساط بحث سیاسی برقرار است. کوچکترین این سو و آن سو شدن آرایش نیروها در رژیم، کوچکترین تغییر کابینه، زیر ذره بین سرمایه‌داران قرار می‌گیرد. سخنرانی‌های مجلس را از موج اف‌ام به دقت گوش می‌کنند. هنوز یک ساعت به توزیع روزنامه مانده، شاگردان خود را به صف خرید روزنامه می‌فرستند. به نظر می‌رسد که همه، انتظار یک تحول مهم، یک تعیین تکلیف رادارهای آینده دارند.

مذاکرات صلح، از سوی اکثريت مردم با دقت دنبال می‌شود. گرایش غالب در مردم این است که باید "گند قضیه هر چه زودتر کنده شود". تبلیغات ناسیونالیستی که در پوشش جملاتی از قبیل "نباید گذاشت در مذاکرات خیانت شود" و "نباید کوتاه آمد" ادا می‌شود طرفدار چندانی ندارد. برای مردمی که طعم ۸ سال جنگ را چشیده‌اند، برای مردمی که در این ۸ سال از بسیاری چیزها محروم شده‌اند، تداوم حالت نه جنگ و نه صلح کنونی به بهانه شعارهای ملی یا مذهبی قابل پذیرش نیست.

شکست رژیم در جنگ، حکومت را به موضع تدافعی عقب رانده است. در میان مردم اینک بیش از گذشته این سؤال‌ها مطرح است: "خون‌بازی تا کی؟"

این‌ها که این همه جوان را به کشتن دادند، مگر لیاقت حکومت کردن دارند؟ "رژیم، این موقعیت را درک کرده است و می‌کوشد با کمترین عقب نشینی، با محدود کردن "اصلاحات" به مواردی مانند سخت‌گیری کمتر در مورد حجاب و موضوعات مشابه، حذف تحقیق محلی از کنکور، برگرداندن تعدادی از دانشجویان اخراجی، و... هم وانمود کند که اوضاع تغییر کرده است، و هم به اصلاحات واقعی تن ندهد. در عرصه اقتصادی، هنوز با توجه به درگیری‌های داخل خود رژیم، معلوم نیست که عقب نشینی‌ها و تغییرات، به چه میزان و در چه عرصه‌هایی خواهد بود. نفس انجام اصلاحاتی، هر چند محدود، دیگر برای همه، همانقدر بدیهی است که آمدن روز از پس شب. حالت انتظار، در همه جا دیده می‌شود....



پلیس در سانتیاگو - پیونوشه سرکوبگر، هنوز قدرت را در دست دارد.

پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست چکسلواکی

در روزهای دوشنبه و سه شنبه دهم و یازدهم اکتبر، پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست چکسلواکی در پراگ برگزار شد. در پلنوم سطح ارتقای نو سازی در کشور بررسی گردید و تغییراتی در مقامات حزبی و دولتی داده شد. لوبو میرا ستروگال که سالها سمت نخست وزیر را بر عهده داشت و در همین حال عضو هیات رئیسه حزب بود، از هر دو سمت خودکناره گرفت. معاون وی پتر سولوتکا نیز از سمت های خود استعفا داد.

میلوش یاکش، دبیر کل حزب کمونیست چکسلواکی در پلنوم از استرو گال و سولوتکا بخاطر خدمت طولانی مدت به حزب و دولت تشکر کرد. وی خاطر نشان کرد پیشنهاد های رهبری حزب در زمینه تغییر کادرها، به منظور افزایش کیفیت کار ارگان های حزبی و دولتی، ضرورت دارد. یاکش گفت بکارگیری افراد جدید، برای انجام وظایف خطیر نو سازی اقتصادی و اجتماعی صورت می گیرد. یاکش همچنین به پلنوم پیشنهاد کرد تاریخ برگزاری کنگره هجدهم حزب یک سال جلو کشیده و این کنگره در نیمه اول سال ۱۹۹۰ برگزار شود. وی گفت در حزب و جامعه وظایف جدیدی

پدید آمده اند که کنگره باید آنها را بررسی کند.

دبیر کل حزب کمونیست چکسلواکی به همه موفقیت ها و عدم موفقیت ها شد. وی گفت: اجرای نو سازی پیچیده مکانیزم اقتصادی، باید شتاب بیشتری یابد. یاکش افزود مهمتر از همه این است که شرایط مساعدی برای موفقیت کامل مکانیزم جدید مدیریت ایجاد شود. یاکش اظهار داشت روند نو سازی ارگان های مرکزی حزب و دولت، در دوره اخیر پیشرفت هایی کرده است. میلوش یاکش درباره دمکراسی سوسیالیستی گفت: "نظام سوسیالیستی چکسلواکی، بروی پذیرش پلورالیسم سوسیالیستی، پلورالیسم عقاید، گشوده است، اما به هیچ وجه شکل گیری و نفوذ تشکلهای ضد سوسیالیستی را تحمل نخواهد کرد." پلنوم پیشنهاد کرد لادیسلا و آدامک بعنوان نخست وزیر پاول ریوانک بعنوان معاون اول نخست وزیر چکسلواکی انتخاب شوند. شمار کمیسیون های دائمی کمیته مرکزی، از چهار به ۱۳ افزایش یافت. میلوش یاکش دبیر کل حزب، مسئولیت کمیسیون باز نویسی برنامه را بر عهده گرفت.

دشواری های اقتصادی یوگسلاوی

دینار و در کوزوو (منطقه آلبانی نشین) ۶۱ هزار دینار در ماه بود. به گفته برخی ناظران، در یوگسلاوی در واقع امریک بازار داخلی فراگیر و واحد وجود ندارد، و مناطق مختلف، به حوزه های بسته ای می مانند که بدون رشته های قوی پیوند به یکدیگر، به حیات اقتصادی خود ادامه می دهند.

یوگسلاوی که به لحاظ مواد خام فنی است، شدیداً وابسته به نوسانات بهای مواد خام در بازار جهانی نیز هست. در صادرات یوگسلاوی، مواد خام در مقایسه بامصنوعات سهم بزرگی به خود اختصاص می دهند. این در حالی است که در حدود ۴۵ درصد ارزش حاصل از صادرات یوگسلاوی، به بازپرداخت وام های خارجی و بهره آن اختصاص می یابد. (یوگسلاوی در حال حاضر در حدود ۲۱ میلیارد دلار قروض خارجی دارد.) یوگسلاوی اخیراً تحت فشار طلبکاران خارجی، دست به یک رشته اقدامات مورد نظر آنها از قبیل تخفیف و کاهش کنترل قیمت ها و لغو محدودیت برای واردات زده است.

دشواری های اقتصادی یوگسلاوی، در سالهای اخیر بطور پیوسته با کاهش سطح زندگی مردم همراه بوده است. آنچه امروز بصورت تظاهرات گسترده، بخصوص در مناطق عقب مانده تر بازتاب می یابد، نتیجه یک بحران اقتصادی مزمن است. آینده نشان خواهد داد که دولت یوگسلاوی تا چه حد در غلبه بر بحران از طریق رفرم های اقتصادی واجتماعی، موفق خواهد بود.

اخباری که این روزها درباره یوگسلاوی منتشر می شود، حاکی است که این کشور روزهای دشواری را می گذراند. موج تظاهرات، استعفاي مسئولین و فراخوان های مکرر دولت برای حفظ آرامش، از جمله گزارشهایی است که از یوگسلاوی می رسد.

در ماه گذشته، پارلمان یوگسلاوی یک برنامه ویژه برای تثبیت اوضاع اقتصادی، غلبه بر تورم، بیکاری و قروض خارجی به تصویب رساند. قرار است در سال جاری چند قانون اقتصادی در چارچوب رفرم مورد نظر، به تصویب پارلمان برسند. در چارچوب این رفرم، سرمایه گذاری خصوصی بصورت خرید سهام و فروش اوراق قرضه کارخانجات آزاد خواهد شد.

ناظران اقتصادی، یکی از دلایل دشواری های اقتصادی کنونی یوگسلاوی را استفاده گسترده از وام های خارجی برای مدرنیزه کردن صنایع می دانند. در دهه ۷۰، بر اثر این سیاست حجم سرمایه گذاری ها رشد سریع تری در مقایسه با تولید ناخالص ملی داشت.

آنچه بر مشکلات امروزی یوگسلاوی می افزاید، تفاوت های چشمگیری میان مناطق مختلف این کشور از لحاظ سطح رشد اقتصادی است. مشخصه رشد اقتصادی در یوگسلاوی، پیشرفته تر بودن شمال غربی این کشور در مقایسه با مناطق جنوب شرقی (که از جمله مناطق سکونت اقلیت آلبانی است) بعنوان نمونه، دستمزد متوسط یک کارگر در سال ۱۹۸۷، در سلوونی ۲۷۲ هزار دینار در ماه، در بوسنی ۷۴ هزار

جایزه صلح نوبل

بقيه از صفحه آخر

صحنه همه رمانهای او، محلات قدیمی قاهره است که محفوظ از کودکی در آن بزرگ شده است. محفوظ از ۱۹۶۶ تا ۱۹۶۸ رئیس شرکت دولتی فیلم سازی مصر بود. وی سپس هجده دار وزارت فرهنگ شد. وی پس از بازنشستگی در سال ۱۹۷۱، به فعالیت ادبی خود ادامه داد و از جمله، رمان "هشک در باران" را آفرید که به مسایل سیاسی و اجتماعی جامعه معاصر مصر می پردازد. محفوظ در سال ۱۹۷۳ گفت: "هیچ یک از رمانهای من هاری از وجه سیاسی نیست."

اما تنها تحلیل دقیق مسائل روانشناسی جامعه امروز مصر نیست که محفوظ را تبدیل به نویسنده بزرگی کرده است. آنچه



بر اهمیت آثار محفوظ می افزاید، تصویرهای برجسته و واقع گرایانه او از انسانهاست. محفوظ در سن ۷۷ سالگی هنوز کار می کند. وی سرگرم نوشتن یک رمان و چند ناول است. □

کمک های مالی رسیده بلژیک

بیاد فدایی شهید حاتم زاده	۴۶۰ فرانک
برای تدارک اولین کنگره	۱۰۰۰ فرانک
سرو	۲۰۰ فرانک
یک رفیق یونانی	۳۰۰ فرانک
نوید	۱۰۰ فرانک
بیاد فدایی شهید ناصر شراره	۵۰۰ فرانک
ک. م. به س از شونز	۱۰۰ فرانک
آرش	۱۰۰ فرانک
میناخ	۱۰۰ فرانک

کمک ۶۰۰ میلیون دلاری شوروی به افغانستان

اتحاد شوروی در جریان کنفرانس ویژه سازمان ملل متحد در نیویورک درباره افغانستان اعلام کرد در حدود ۶۰۰ میلیون دلار در آغاز گشایش صندوق ویژه کمک به بازسازی افغانستان، به این صندوق کمک خواهد کرد. سرمایه اولیه این صندوق، یک میلیارد و ۱۶۰ میلیون دلار خواهد بود.

صدرالدین آقاخان، هماهنگ کننده برنامه ویژه سازمان ملل برای کمک به افغانستان، اعلام کرد در نخستین ساعات کنفرانس ویژه، در حدود ۷۰۰ میلیون دلار کمک نقدی و جنسی به صندوق کمک به افغانستان واریز شد. دولت آمریکا به بجهانه مبارزه انتخاباتی جاری، اعلام کرده است فعلا از کمک به این صندوق خودداری می کند.

نکته برجسته در این برنامه کمک به افغانستان، این است که کمکها، شامل مواد غذایی تجهیزات و وسایل نقلیه نه تنها در مناطق تحت کنترل دولت افغانستان، بلکه همچنین در مناطقی که در دست شورشیان است، توزیع خواهد شد. مقامات سازمان ملل توزیع این کمکها را بر عهده خواهند داشت. صدرالدین آقا خان مسئول این برنامه، از کمک ۶۰۰ میلیون دلاری شوروی بسیار استقبال کرد و آنرا با در نظر گرفتن اینکه کمک سازمان ملل تنها شامل مناطق تحت کنترل دولت نخواهد شد، قابل توجه دانست.

حسن شرق نخست وزیر افغانستان بار دیگر بر آمادگی دولت افغانستان برای مذاکره بارهبران نیروهای ضد دولتی تاکید کرد. وی افزود که آماده گفتگو با ظاهر شاه، پادشاه سابق افغانستان نیز هست.

در مسکو اعلام شد یولی ورنسوف، معاون وزیر خارجه شوروی با حفظ سمت، به عنوان سفیر اتحاد شوروی در افغانستان منصوب شده است. گراسیموف سخنگوی وزارت خارجه شوروی گفت "افغانستان کماکان یک زخم التیام نیافته است." و برای التیام آن، انتصاب یک مقام عالی رتبه بعنوان سفیر ضرور است.

تشکیل کابینه جدید لهستان

ترکیب کابینه جدید میچیسلاو راکفسکی نخست وزیر جدید لهستان به تأیید پارلمان این کشور رسید. برای نخستین بار در یک کشور سوسیالیستی، دارنده یک کارخانه خصوصی به عضویت کابینه درآمد. میچیسلاو ویلچک، وزیر جدید صنایع لهستان، تولید کننده خوراک حیوانات و دارنده سهام یک کارخانه دوزندگی پوست است.

راکفسکی در معرفی کابینه جدید لهستان گفت در راس فهرست اولویت های دولت جدید، کمک به کشاورزان، صنایع غذایی، ساختمان مسکن و حفظ محیط زیست است. راکفسکی بر ضرورت "اتحاد علیه حماقت، فریب و خود فریبی، تظاهر به فعالیت و اسراف کاری" تاکید کرد و گفت باید به میراث استالینیسم پایان داد.

سران شوروی و چین دیدار خواهند کرد

فنلاند خاطر نشان کرد هادی کردن روابط دو کشور بزرگ سوسیالیستی، به منافع کشورهای دیگر لطمه نخواهد زد. "سیاستمدار عالی رتبه چینی، افزود حتی پس از هادی سازی، روابط شوروی و چین، نه به لحاظ اقتصادی و نه به لحاظ سیاسی به دوره اتحاد در دهه ۵۰ باز نخواهد گشت، بلکه "خصلت نوینی" خواهد داشت. تنگ شیائوپینگ، بعنوان مبنای گسترش مناسبات با اتحاد شوروی، از همزیستی مسالمت آمیز، برابر حقوقی و سود متقابل نام برد.

درواکنش نسبت به اظهارات تنگ شیائوپینگ، گنادی گراسیموف سخنگوی وزارت خارجه شوروی گفت کشورش آماده برگزاری اجلاس سران شوروی و چین در اسرع وقت است و هر چه زودتر این دیدار صورت بگیرد، بهتر است. گراسیموف افزود هنوز در مورد زمان این اجلاس سران تصمیمی گرفته نشده است.

تنگ شیائوپینگ رئیس "کمیسیون نظامی مرکزی" و پر نفوذترین سیاستمدار چین، در دیار بار رئیس جمهور فنلاند اظهار داشت وزیر خارجه چین تا قبل از پایان سال ۱۹۸۸ برای تدارک اجلاس سران شوروی و چین در سال ۱۹۸۹، به مسکو خواهد رفت.

به گزارش خبرگزاریها مطابق توافقی که در پایان ماه سپتامبر، در حاشیه اجلاس مجمع عمومی ملل متحد در نیویورک، میان وزرای خارجه شوروی و چین به عمل آمده است، وزیر خارجه چین در ماه نوامبر ۱۹۸۸ از مسکو دیدن خواهد کرد و اندکی بعد، دیدار وزیر خارجه شوروی از چین، کارتدارک اجلاس سران را ادامه خواهد داد. آخرین دیدار یک وزیر خارجه شوروی از چین، در سال ۱۹۵۹ صورت گرفت. به گزارش خبرگزاری چین نو، تنگ شیائوپینگ در پاسخ به سؤال رئیس جمهور

آرامش نسبی در الجزایر

شاذلی بن جدید رئیس جمهور الجزایر پس از اعلام حکومت نظامی، در یک سخنرانی تلویزیونی گفت بحران اقتصادی دهه ۸۰، کاهش درآمدهای نفتی بر اثر تنزل قیمت نفت، خشکسالی طولانی و رشد شتابان جمعیت، در حال حاضر از دشوارترین مسائل کشور است. هنوز دولت الجزایر آمار رسمی تلفات ناآرامی های اخیر را منتشر نکرده است. در گزارشهای خبرگزاریها شمار کشته شدگان تا ۴۵۰ نفر ذکر می شود. در این گزارشها آمده است تنها در روز دوشنبه در الجزیره ۳۰ تن کشته شدند.

الجزیره پایتخت الجزایر چند روز پس از اعلام حکومت نظامی در واکنش نسبت به تظاهرات گسترده ضد دولتی، آرامش نسبی خود را بازیافت. به گزارش رسانه های گروهی الجزایر در سایر شهرهایی نیز که در آن تظاهرات صورت گرفته بود، اوضاع به حال هادی بازگشته است. امانیروهای ارتش و پلیس هنوز در خیابانها و میادین مهم الجزیره حضور نیرومندی دارند. آن محلات الجزیره که ناآرامی ها از آنجا آغاز شد، هنوز در محاصره زرهپوشهاست. مقررات منع عبور و مرور شبانه هنوز برقرار است.

اعتصاب عمومی در پرو

اعتصابیون خواهان افزایش دستمزدها به میزان ۱۵۰ درصد شدند. تورم در پرو در حال حاضر به ۸۰۰ درصد می رسد! عکس، صحنه ای از اعتراض دانشجویان دانشگاه سان مارکوس لیما پایتخت پرو را نشان می دهد.

یک اعتصاب سراسری ۲۴ ساعته، که به دعوت اتحادیه سراسری سندیکاهای پرو برگزار شد، زندگی را در این کشور فلج کرد. در این اعتصاب در حدود ۱٫۵ میلیون کارگر، معلم، راننده، کارمند و دهقان شرکت کردند.



مردم و آتش بس

با بهره از مجموعه‌ای از گزارش‌ها

جماران ایجاد شده است، ذهن ما را به خود مشغول می‌کند. از پاسخ این پرسش‌هاست که گزینش بهترین و کاراترین شعارها، شناخت مهمترین گره‌گامهای مبارزه آتی برای آزادی، ممکن می‌شود. آنچه می‌خوانید، تقریر شده مجموعه‌ای از گزارش‌هاست که به دوره پس از اعلام پذیرش آتش بس از سوی رژیم مربوط می‌شود. بدیهی است که این نوشته، نه حکم تحلیلی همه جانبه دارد و نه ادعای جامعیت.

مردم با شکست جمهوری اسلامی در جنگ و برقراری آتش بس، چگونه برخورد کردند؟ انتشار و گروهای گوناگون اجتماعی، در ارتباط با آتش بس، صلح و بطور کل شرایط جدید، چه احساسات، روحیات و ذهنیاتی دارند؟ وجه مشترک و پیوند دهنده این انتشار چیست و وجه تمایز آنها در برخورد با تغییر موقعیت کدامست؟ اینجا و دهها پرسش دیگر، در وضعیت نوینی که پس از "نوشیدن جام زهر" توسط خلیفه

جایزه صلح نوبل برای نجیب محفوظ نویسنده مصری

در استدلال هیات داوری برای اعطای جایزه نوبل به محفوظ آمده است این نویسنده مصری، سبکی از نگارش به هری را آفریده است که برای همه مردم مفهوم است. اطلاعات هیات داوری می‌افزاید محفوظ با "آثار پرنکته‌ای که شاه به نحو تیزبینانه‌ای به واقعیت نزدیک است و گاه، چندین مفهوم را القا می‌کند، مهر خود را بر هنر رمان نویسی هری، هنری که دارای شمول هم بشری است، کوبیده" و به رشد زبان ادبی در فرهنگ هری یاری رسانده است. محفوظ در یازدهم دسامبر ۱۹۱۱ در قاهره متولد شد. در آن زمان نویسندگان و شاعران مصری هنوز می‌کوشیدند با تقلید از سبک‌های اروپایی در زبان هری، عقب ماندگی دوره تسلط عثمانی را جبران کنند. محفوظ از نخستین نویسندگانی است که سبک مصری مستقلی را آفریدند. قهرمانان داستانهای محفوظ همدتا مردم هادی کوچه بازارند. بقیه در صفحه ۱۰

جایزه ادبیات نوبل ۱۹۸۸ به نجیب نویسنده مصری تعلق گرفت. محفوظ ۷۷ ساله که در قاهره زندگی می‌کند، بعنوان بنیانگذار رمان هری شناخته شده است. وی نخستین هری زبانی است که جایزه ادبیات نوبل دریافت می‌دارد. کتابهای محفوظ در جهان هری معمولاً با تجدید چاپ می‌شوند. بزرگترین نقاشان هری، کتابهای او را مصور می‌کنند. چند رمان او تا کنون به صورت فیلم سینمایی در آمده است. در کشور هری، صدها مقاله، نقد و مصاحبه در باره آثار نجیب محفوظ چاپ شده است. چند رمان مهم محفوظ عبارتند از "خانه‌ای برنیل"، "دزد و سگ‌ها" و "مسجدی در کوچه". نجیب محفوظ مبتکر نوعی از آثار است که از خود زندگی العام می‌گیرد و به لحاظ اجتماعی، انتقادی است. محفوظ در همین حال چندین سناریو برای فیلمهای رئالیستی نوشته است.

کنگره مؤسس حزب کمونیست متحد ترکیه

حزب واحد با برنامه واحد به پایان رسیده است. از این رو، کنگره تحقق وحدت با زهم گسترده تر احزاب، محافل و شخصیت‌های کمونیست کشور را یکی از وظایف اصلی حزب دانست. کنگره همچنین از گفتگوهای جاری با حزب سوسیالیست کارگر ترکیه در چارچوب تلاش برای وحدت، استقبال کرد و خواهان تسریع آن شد. کنگره مؤسس حزب کمونیست متحد ترکیه از تلاشهای میهن پرستان کرد برای دستیابی به حق تعیین سرنوشت حمایت کرد.

در روزهای هفتم اکتبر ۱۹۸۸ در او برهاوزن (آلمان فدرال) کنگره مشترک حزب کمونیست و حزب کارگر ترکیه برگزار شد. این گردهمایی، در همین حال کنگره مؤسس حزب کمونیست متحد ترکیه گردید. نیات سارگین بعنوان صدر و حیدر کوتلو بعنوان دبیرکل حزب واحد، برگزیده شدند. کوتلو و سارگین در حال حاضر در زندان رژیم ترکیه به سر می‌برند. کنگره مؤسس، با ستایش از اعدام شاهانه رفقا کوتلو و سارگین در بازگشت به میهن، خواهان آزادی نوری آنها شد.

کنگره، صلح و دموکراسی را

"مهمترین مسائل ترکیه" دانست و از "راه مسالمت آمیز" پیشرفت اجتماعی و دگرگونی‌های بنیادین "جانبداری نمود.

در نخستین بیانیه کمیته مرکزی حزب کمونیست متحد ترکیه آمده است: "روشن است که با تشکیل حزب متحد کمونیستهای ترکیه، هنوز روند وحدت همه کمونیستهای ترکیه در

یاد بهیجه بوران گرامی باد!

بهیجه بوران که در سال ۱۹۱۰ متولد شده بود، از برجسته ترین چهره های جنبش کارگری و جنبش زنان ترکیه محسوب می شد. او سالهای متعددی در زندانهای ترکیه به بند کشیده شده بود. اکنون در سالروز درگذشت بهیجه بوران، آرزوی شریف هو مبنی بر وحدت کمونیست های ترکیه، از طریق وحدت دو حزب کمونیست و کارگر و تدارک وحدت با حزب سوسیالیست کارگران ترکیه، در آستانه تحقق است؛ که وحدتی که بهیجه بوران در تامین شرایط آن نقش بسزائی داشته است.



کنگره مؤسس حزب کمونیست متحد ترکیه درست یکسال پس از درگذشت رفیق بهیجه بوران دبیرکل وقت حزب کارگر ترکیه برپا شد. یکسال پیش اعلام وحدت حزب کمونیست ترکیه و حزب کارگر ترکیه را رفقا بوران و کوتلو از طریق صدور اطلاعیه ای اعلام داشته بودند. و اینک جشنواره برپایی کنگره وحدت با یادواره بهیجه بوران همزمان شده است.

در ماه جاری در ترکیه و کشورهای مختلف جهان نیروهای مردمی و مترقی یاد بهیجه بوران را با برپایی اجتماعاتی گرامی داشتند.

زنده باد آزادی، مرگ بر خمینی!

AKSARIYAT
NO. 229
MONDAY, 17 OCT. 88

حساب بانکی:
AUSTRIA - WIEN
BAWAG
(BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT)
NR. 02910701-650
DR. GERTRAUD ARTNER

آدرس:
Address: RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید